

جام جم

گفت‌وگوی «جام جم» با سردبیر و تهیه‌کننده برنامه شبکه ۲

شب‌شاد اقوام با هموطنز

صفحه ۷

در گفت‌وگوی «جام جم» با کارگردان کنسرت - نمایش «بیژن و منیژه» مطرح شد

عشق به روایت زنان خردمند



نمایشگاه کتاب تهران امسال چه ویژگی‌هایی دارد؟

کتابخانه‌ای به وسعت ایران



«جام جم» اهداف تشکیل شورای تأیید صلاحیت فیلم‌اولی‌ها را بررسی می‌کند

جوانگرایی، رمز موفقیت سینمای استراتژیک



فرهنگ اسلامی، خیزش انقلابی و شعر ایرانی

غریب‌دگی و نفی حیات شعر سنتی

هنر ما در رشته‌های گوناگون گرفتار و دچار این گم‌گشتگی و عدم اصالت است. این ابتذال ظاهراً مدافع فرم و ساختارهای کلیشه‌ای در مقابله با تجربه نو در حوزه شعر از زمان قجر سابقه داشته است. غریب‌دگی شبه مدرن و نگرش پیرامونی با نفی حیات شعر سنتی و تحجر با نفی تجربه نو دچار دکماتیزم سبکی بوده‌اند از نیما تا امروز. می‌خواهم به‌ویژه به‌عنوان مثالی بسیار مفید در هنر انقلابی و معترض و رسانه‌ای به یک تجربه پسامدرنیستی ترکیبی به اسم شعر امروز مثلاً شعر/ جستاری بکنم که سبکی در قلمرو شعر معترض است که محصول تجربه‌ای نو و پسامفهومی، از هنر مایکرو هیستوری‌کال است((microhistorical. خرده‌هنر تاریخ‌نگارانه زندگی روزمره با نگاه انقلابی است. محافظه‌کاری و نیاورنی شعر شود. سرود که در میان ما نیز ظاهر تحجر سبب مغفول ماندن این دستاوردهای مؤثر می‌شود. ببینید فرم شعر رسانه‌ای در ادغام با موسیقی به اسم ترانه و سرود چه تأثیر انقلابی جهانی عظیم به‌جا نپاذه است. بهانه ابتذال که آن هم به‌وسیله اداره فشل امور به دست شعر ما رواج می‌یابد، نباید مانع دیدن اهمیت نوآوری شعر شود. سرود که در میان ما نیز ظاهر شده است ازجمله همین نوآوری‌هاست. فرم و ساختار این نوع «شعر/ جستار» منبعث از هنر محیطی/ رسانه‌ای جدید است و ربطی به فرم و مقررات و ارزش‌ها و قواعد ساختی یک شعر سنتی عاشقانه و کلاسیک یا نیمایی یا ساختمان لیریک و فرم عروضی تغزل ترکیبی مدرن/ سنتی که مختاری مبلغ آن بود، ندارد.



دگم‌ها و معیارهای دآوری تقلیل‌گرای سرشار از کفرهیمی‌شان از ابتدال را به نحو مبتذل عمومی کنند. درک غلط و مستبدانه از یک گونه روایت، از خودبیگانگی درباره قصه‌گویی، به بهانه مردم، سرکوب خلاقیّت، نتیجه عمل نقد پیرامونی محسوب می‌شود. محروم کردن اسلام از تجربه نو در هنر خیانت است اندکی در سینما و در خطاشی (خط‌نقاشی) و در نقاشی آئینی تا حدی تجربه نو و در گرافیک به مقدار وسیع‌تر و متفاوت تجربه‌گرایی نو جا باز کرد اما در شعر نه! هر قدر در نوآوری شعر سنتی و عروضی پیروز بودیم، در از آن اسلام کردن شعر نیمایی و سفید جز تجربه بیژن الهی و م. مؤید و اندکی در کارو قیصر و عبدالرضا رضایی‌نیا و میرشاکاک و حسینی و هراتی که در اول راه و تحت تأثیر سپهری تمرین‌های جذابی کرد موفق نبودیم نه در شعر نه در تئاتر. در قصه هم ذخیره خیره‌کننده پیش‌ارمان نو در خاطرات داریم که باید کار بزرگی صورت گیرد تا جنبش داستان نو به سامان برسد.

حال و هوا گسترش چهل درباره شعر و ضربه به حیثیت شعر و فراموشی شعر است که اگر نبود، نقش معجزه‌آسای آن فقیه بزرگوار در رأس اداره کشور و رهبری شعر، این تکاپو و رشد شعر سنتی که تنها بخشی از درخت تناور شعر معاصر است، صورت نمی‌گرفت. متأسفانه چهل، سلاح اصیل نوگرایی با میراث رشد عالی را که در زهدان ادبیات بارآور ایران متولد شد، از جنگ انقلاب اسلامی در آورد و شعر و هنر نو را از هنر انقلاب اسلامی جدا و محو کرد. چه سبک‌های نو در سینما و سینمای مستند چون فیلم‌های خودبینانگرای رویکردگر که سبک‌ویژه ایران پس از انقلاب اسلامی بود و چه زبان و سخن نو در شعر جدید با سبک‌های پیشرفته و دستاوردهای بزرگ که شعر مسلمانان را از این تجربه جدی محروم و سرکوب کردند و یک ابتذال وسیع کمیک، ناتوانی و فقدان تجربه‌گری جوان را رواج دادند. در این خیانت غریبه‌ها، جاهلان با نقاب انقلابیگری و سنت‌گرایی ارتجاعی و نه سنت پویا همدست بوده‌اند تا همان

نقد شعر به دلایل اساسی مختلف دچار اغماز شده که خود نیازمند تحقیق مبسوطی است. منتقد شعر باید در چند رشته ازجمله قلمرو شناخت شعر، زیبایی‌شناسی و زبان و معناسناسی شعر و هنر، فلسفه هنر، تحولات تصویری و سینما و تنگ‌نظری خودخواهانه سبک‌ها و شاعران، شعر جهان در عصر مدرن و پسامدرن، شعر دوران مشروطه به بعد، شعر نیما و شعر نیمایی، شعر سفید و پسامدرن ایران توانایی ادامه داشته باشد و... خب، این فرد باید درخشان باشد و نیست. هنر ملی پهلوانی است در چالش با قهرمان جهانگیر هنر ضد انقلاب اسلامی و پس از اسلام بود. از اواخر قرن و تحجر در درک تحولات شعر در اکنون ما اضافه بر همه اینها باید نقشش محاسبه شود و بی‌توجهی به نقد شعر و معاش منتقد در کشوری که حکومت در همه کارهای مردمی مداخله می‌کند، وبال دیگری است به گردن نقد شعر و بی‌انگیزگی مردم در مطالعه شعر، مضاف بر همه کارش را می‌کند. نتیجه این

برش

چرا ترویج شعر کار مهمی است؟

این جنبه نوبی تجربه شعر زنده را دریابیم و با روحیه پروژکتیک و دکان باز کردن متحجر به هنر دگم نگاه نکنیم. حیفاست فرصت‌ارتقای جذاب سلیقه مردم که با هنر اصیل شعر پارسی کم‌کم بیگانه شده‌اند با کاهلی و کلیشه‌بازی و بی‌مسئولیتی تلف شود. البته باید با خلوص به تلاش اندک اخیر تلویزیون در احیای فرهنگ هنر ملی ارج نهاد اما این

حدود ۱۵ سال پیش یک مجموعه سه جلدی دستنوشته‌ام درباره شعر پارسی به‌مثابه انقلاب در انتشارات روایت فتح به تصویب رسید و کارهای تایپ آن و مقدمات صفحه‌بندی شروع شد و منتظر انتشارش بودم که مدیریت آنجا عوض شد و بعد از مدت‌ها که خبری نشد، عبدالرضا رضایی‌نیا که با لطف فراوان به آن پژوهش تحلیلی علاقه‌مند بود و برایش ارزش قائل بود و مشتاق انتشارش بود، پیگیری کرد و گفتند اصالتین دستنویس کم شده و نسخه‌های تایی‌اش هم نیست و تایپ نیست، منشی و هر کس سرخنی در دستش بود، عوض شده است و صحنه برگشت به یک قتل اعلام نشده و پیرونده مخته‌مه جانبی معمایی!



احمد میراحسان نویسنده و منتقد

من هیچ دستنوشته دیگری از آن کتاب که محصول عمری مطالعات شعری بود، نداشتم و شلختگی درمان ناپذیر و بی‌میلانی درباره اموالی که پس از تولیدشان دیگر دغدغه‌ام نیست، آن متن را گم و گور کرد و پیدا نشد که خسروانی‌ها و پس از اسلام بود. از اواخر قرن سوم تا انقلاب اسلامی و پایان جنگ که قرار بود شعر دهه ۷۰ و مابعد ایران را هم در برگیرد و ببیند شعر شاعران مسلمان هم فرم محتوا، ساختار، زبان، روایت و سبک‌های نو نیست در برابر چه چیز مقاومت می‌کند و تحول و دگرگونی‌اش به معنی بنا نهادن در حقیقتی است و هم شعر ضد انقلاب اسلامی و نیست انگار برابر چه چیز سرکشی می‌کند و با ساختار مدرن و پسامدرن، با نیهیلیسم، هجو، اغتشاش زبان، تجاوزات اخلاقی و اختیارات ساختار زدایی می‌کوشد چه چیز را فرو بپاشد.

آن پروژه مجال کار نیافت. ضرورت‌های فیلمسازی مستند و نویسندگی در مطبوعات، تلاش معاش و مستندسازی و کار در شورای سردبیری صنعت سینما، نوشتن در مهرنامه، تجربه، اعتماد و شرق، جنگ‌ها، درآوردن شماره‌های فلسفه و سینمای مستند به‌عنوان سردبیر مهمان، کار مستمر نقد تفسیری در مجلات مختلف مثل گزارش فیلم، فیلم نگار،

آن پروژه مجال کار نیافت. ضرورت‌های فیلمسازی مستند و نویسندگی در مطبوعات، تلاش معاش و مستندسازی و کار در شورای سردبیری صنعت سینما، نوشتن در مهرنامه، تجربه، اعتماد و شرق، جنگ‌ها، درآوردن شماره‌های فلسفه و سینمای مستند به‌عنوان سردبیر مهمان، کار مستمر نقد تفسیری در مجلات مختلف مثل گزارش فیلم، فیلم نگار،

نگاه

کاظم نظری رفت

حمید نیلی به اداره کل هنرهای نمایشی آمد

کاظم نظری پس از دو سال پرفراز و نشیب در اداره کل هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از سمت خود استعفا داد. تا وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در حکم حمید نیلی را به‌عنوان مدیرکل هنرهای نمایشی جدید منصوب کند.

نظری که در دوران مسئولیت خود نتوانست آنچنان که شایسته تئاتر کشور است در این اداره کل فعالیت کند و مدت‌ها بود که رزمه برکناری او به گوش می‌رسید، ۱۷ اردیبهشت از سمت خود استعفا داد و حالا حمید نیلی به‌عنوان مدیرکل جدید هنرهای نمایشی، جانشین او شده است.

با توجه به انتقادهایی که رویه مرکز هنرهای نمایشی در دو سال گذشته شده بود، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در حکم نیلی به موارد مغفول مانده در اداره کل هنرهای نمایشی پرداخته و در آن آورده است:

- ۱ کشف و پرورش استعداد های نمایشی کشور
- ۲ ترویج ادبیات فاخر فارسی و قصه‌ها و قهرمانان آن در نمایش‌های صحنه‌ای
- ۳ صیانت از مرزهای اخلاقی، دینی، انقلابی، ملی و خانوادگی در آثار تولید شده در سراسر کشور
- ۴ رشد کیفی هنرهای نمایشی و ارتقای شاخص‌های هنری
- ۵ توجه ویژه به تولید نمایشنامه‌های فاخر و تربیت نویسندگان متعدد به آرمان‌های انقلاب اسلامی و مدیریت

